****

[**اثردوم: جواز تقلید عامی و رجوع او به مجتهد** 1](#_Toc496181033)

[عدم جواز تقلید مجتهد انسدادی حکومتی 2](#_Toc496181034)

[**رد اجماع** 2](#_Toc496181035)

[**دلیل بعدی بر جواز تقلید از مجتهد انسدادی حکومتی اجرای مقدمات انسداد در حق مقلد** 2](#_Toc496181036)

[**رد اجرای مقدمات انسداد در حق مقلد** 2](#_Toc496181037)

[***تبصره*** 3](#_Toc496181038)

[عدم جواز تقلید مجتهد انسدادی کشفی**:** 3](#_Toc496181039)

[**ادامه مطالب اخوند** 4](#_Toc496181040)

[**نظریه اقای خویی و عدم جواز تقلید مجتهد انسدادی** 5](#_Toc496181041)

**موضوع**: اثر اول و دوم /اثار اجتهاد /اجتهاد و تقلید

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل استاد در مورد اثر اول بحث کردند و به این نتیجه رسیدند که مجتهد میتواند به اجتهادش عمل کند سپس مساله ای را مطرح فرمودند که اگر مجتهد در مساله ای اجتهاد نکند ایا میتواند در ان مساله به غیر رجوع کند یا خیر؟ استاد فرمودند اگر بین این مجتهد و مجتهد دیگر اختلاف فاحشی وجود نداشته باشد و در مبانی نزدیک به هم باشند میتواند به او رجوع کند خصوصا دیگری را اعلم بداند و بعد وارد بحث از اثر دوم یعنی جواز تقلید غیر از مجتهد مجتهد مطلق شدند.

**اثردوم: جواز تقلید عامی و رجوع او به مجتهد**

جناب اخوند مجتهد را به دو قسم تقسیم کرده اند:

1-مجتهد انفتاحی: یعنی کسی که باب علم و یا علمی را به سوی احکام باز میداند. در این فرض جایز است که عامی از چنین مجتهدی تقلید کند زیرا موضوع ادله جواز تقلید رجوع جاهل به عالم است و در اینجا این موضوع محقق است زیرا فرض این است که مجتهد با دلیل عالم به مساله شده است.

2-مجتهد انسدادی: یعنی کسی که باب علم و یا علمی را به سوی احکام بسته میداند. بعد همین فرض را به دوقسم تقسیم میکند:الف: انسداد حکومتی: یعنی کسی که در فرض اجرای مقدمات انسداد قائل به حکم عقل به کفایت امتثال ظنی میشود. ب:انسداد کشفی: کسی که در فرض اجرای مقدمات انسداد قائل به کشف حکم شرع به وسیله مطلق ظنون میشود.

## عدم جواز تقلید مجتهد انسدادی حکومتی

در چنین صورتی اخوند میفرماید[[1]](#footnote-1)جواز تقلید از مجتهد انسدادی حکومتی فی غایه الاشکال بل منع است زیرا موضوع ادله جواز تقلید رجوع جاهل به عالم است در حالی که چنین مجتهدی جاهل به حکم است و بر چنین مجتهدی عارف به احکام صدق نمیکند. زیرا باب علم به احکام را بسته میداند.پس به این ادله نمیتوان رجوع کرد و برای جواز یا باید به اجماع تمسک کرد یعنی گفته شود که علما گفته اند که جایز است که جاهل از عالم تقلید کندو تفصیلی هم در این مساله بین مجتهد انفتاحی و انسدادی نداده اند بنا بر این مطلق است و مجتهد انسدادی را هم شامل میشود.

**رد اجماع**

این اجماع باطل است زیرا مساله انسداد باب علم و علمی در قدیم که نبوده است بلکه در صدر زمان غیبت باب علم باز بوده است و روایات دارای قراین بوده اند و در جایی هم که علم نبوده است به امارات عمل میکردند و اصلا بحث انسداد مطرح نبوده است تا به اطلاق ان تمسک شود و اطلاق در جایی است که مورد مجال اطلاق گویی داشته باشد.

**دلیل بعدی بر جواز تقلید از مجتهد انسدادی حکومتی اجرای مقدمات انسداد در حق مقلد**

با اجرای مقدمات انسداد در حق مقلد به این نتیجه میرسیم که عقل حکم میکند که امتثال ظنی کفایت میکند و از طرفی ظنی هم که برای مجتهد حاصل شده است برای مقلد هم حاصل شده است بنابر این در ان به حکم ظن مجتهد عمل میشود.

**رد اجرای مقدمات انسداد در حق مقلد**

اولا یکی از مقدمات انسداد این است که تشخیص داده شود که مجتهد انفتاحی بر راه خطا است در حالی که عامی که نمیتواند این مطلب را تشخیص دهد.

ثانیا: از کجا مقلد میتواند حکم کند که احتیاط امکان ندارد بله در بعضی از موارد مثل دوران امر بین محذورین توان تشخیص را دارد ولی اینکه حرج در دین نیست و مرز حرج تا کجاست و غیره را نمیتواند تشخیص دهد.

***تبصره[[2]](#footnote-2)***

در فرض نادری مقدمات انسداد در حق مقلد جاری است با دو شرط: الف: مجتهدمنحصر به انسدادی باشد ب: خودش زمینه ای از علم داشته باشد مقداری درس خوانده باشد و حرج و امثال ان را بفهمد که در دین نیست.

عدم جواز تقلید مجتهد انسدادی کشفی**:[[3]](#footnote-3)**

مرحوم اخوند فرموده در چنین فرضی جواز تقلید محل اشکال است ولو اینکه این فرض از انسداد حکومتی یک درجه بهتر است ولی بازهم در جواز تقلید اشکال وجود دارد زیرا ازجهتی مجتهدی که قائل به انسداد بر نحو کشف است ولو اینکه عالم است یعنی در صورت اجرای مقدمات انسداد کشف میکند که شارع ظن را حجت قرار داده است و این کشف یک نوع علم است ولی منکشف ضیق است و فقط در حق مجتهد است که مطلق ظنون کشف میکند ولی در حق مقلد این کشف وجود ندارد. پس مقلد نمیتواند از او تقلید کند.

نکته اول: فرق بین مجتهد انفتاحی و انسدادی کشفی در چیست؟ مجتهد انفتاحی به این نتیجه میرسد که بعضی از ظنون کشف از حکم شرع میکند به نحو عام هم برای مجتهد و هم برای مقلد ولی مجتهد انسدادی کشفی به این نتیجه میرسد که تمام ظنون کشف از حکم شرع میکند ولی فقط در حق مجتهد ولا غیر.

نکته دوم: فرق بین مجتهد انسدادی حکومتی و کشفی در چیست؟ مجتهد انسدادی حکومتی هیچ کشفی نسبت به حکم شرع ندارد نه درحق خودش و نه در حق مقلد ولی کشفی از این جهت که فقط درحق خودش کشف از حکم شرع میشکند کشف میکند فلذا اخوند عدم جواز تقلید از مجتهد انسدادی حکومتی را بعد از اشکال میفرماید بل منع ولی در کشفی فقط اشکال را میفرماید.

نکته سوم: در عبارت مرحوم اخوند در مجتهد انسدادی حکومتی و کشفی فی غایه الاشکال امده است در حالی که بل منع از مجتهد انسدادی حکومتی خط خورده است در حالی که باید این قید باشد زیرا عبارت روان نیست و در هردو گفته باشد فی غایه الاشکال و همان عبارت را تکرار کرده باشد صاف نیست و لااقل باید در عبارت دومی ایضا را میاورد در حالی که نیاورده است.

**ادامه مطالب اخوند**

بعد از اینکه اخوند این مطالب را میفرماید در دو مورد اشکال به جواز تقلید در مجتهد انفتاحی را مطرح و جواب میدهد:

1-امارات بر مسلک اخوند: در مودای امارات سه مسلک معروف وجود دارد. جعل حکم مماثل، تتمیم کشف و جعل علمیت، جعل حجیت که مسلک اخوند. بنا بر مسلک اخوند حتی در فرض مجتهد انفتاحی هم جواز تقلید وجود ندارد زیرا بنا بر این مبنا حکم شرعی وجود ندارد بلکه معذریت و منجزیت وجود دارد فلذا ادله رجوع جاهل به عالم صدق نمیکند و عارف به احکام صدق نمیکند.

جواب:

در این فرض نیز ما عالم هستیم منتها نه به حکم واقعی و نه به حکم ظاهری بلکه علم به این داریم که در اینجا حجت وجود دارد ان هم به نحو عام هم برای مجتهد و هم برای مقلد.

2-اصول عقلیه: در اصول عقلیه مثلا قبح عقاب بلا بیان نه حکم واقعی وجود دارد ونه وحکم ظاهری و نه جعل حجیت فلذا درفرض انفتاح هم مقلد نمیتواند به ان مجتهد رجوع کند.

جواب: در این همین فرض نیز علم وجود دارد وان علم به اینکه دلیلی در این مورد وجود ندارد به نحو عام هم برای مجتهد وهم برای مقلد. البته این که در این مورد وظیفه چیست هر کس باید به عقل خودش رجوع کند یا برائت و یا احتیاط.

خلاصه: در فرض انفتاح از مجتهد انفتاحی میتوان تقلید کرد چون یاعالم به حکم است و یا عالم به حجت است و یا عالم به فقد دلیل.

نکته : از میان این اشکالات ارائه شده توسط اخوند، اصول عملیه شرعی را مطرح نکرد و دلیل ان هم این است که ایشان در اصول عملیه شرعی قائل به جعل حکم ظاهری است فلذا ان را مطرح نکرد.

**نظریه اقای خویی [[4]](#footnote-4)و عدم جواز تقلید مجتهد انسدادی**

ایشان هم مانند اخوند قائل به عدم جواز تقلید از مجتهد انسدادی است و اشکالات را مطرح میکنند ولی درخصوص اصول عملیه این اشکالات را مطرح میکند نه در امارات که ادامه این بحث در جلسه اینده..

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص465.](http://lib.eshia.ir/27004//465/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص465.](http://lib.eshia.ir/27004//465/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص465.](http://lib.eshia.ir/27004//465/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصباح الاصول، ابوالقاسم خویی، ج2، ص438.](http://lib.eshia.ir/13046/2/438/) [↑](#footnote-ref-4)